

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویلیام آی. روینسون
برگردان از: آمادور نویدی
۱۹ فبروری ۲۰۱۷

چین و ترمپیسیم: تضادهای سیاسی سرمایه داری جهانی



در حالی که هژمونی امریکا روبه زوال می‌رود و هژمونی چین احتمالاً افزایش می‌یابد، این روشن می‌کند که چارچوب سیاسی سرمایه داری جهان به طرز نومیدکننده ای کهنه شده است.

هنگامی که ثروت‌مندترین مرد چین، وانگ جیانلین، دسمبر گذشته هشدار داد (۱) که جنگ تجاری علیه چین منجر به فاجعه ای برای امریکا می‌شود، این یک تهدید بی‌اساس نبود. ترمپ با پایگاه اجتماعی خود هر بار که علیه بیجینگ انتقاد می‌کند، امتیاز سیاسی می‌گیرد، با این حال، امریکا و اقتصاد جهانی به دلیل نقش برتر چین در تقویت سرمایه داری جهانی در این لحظه حساس آن را به سرعت رفع می‌کنند.

این مفهوم ساده که ترمپیسیم نشان‌دهنده یک بازگشت به حمایت از تولیدات داخلی و رقابت‌های تجاری ملی‌ست، تضادهای درونی واقعی سرمایه داری جهانی را که نظم جهانی قرن ۲۱ را به نقطه فروپاشی می‌کشاند، پنهان می‌کند. این سیستم با بحران ساختاری به شدت نابرابر و فرا انباشت، همچنین بحران سیاسی مشروعیت و بحران زیست‌محیطی پایدار روبه روست.

اما یکی دیگر از ابعاد این بحران آنست که افزایش تنش بین المللی، بسته به حوادث، می‌تواند به خوبی تبدیل به جرقه ای برای حریق بزرگ جهانی شود. انشقاق بین اقتصاد جهانی و اقتدار سیاسی سیستم یک دولت - ملت، توانائی سیستم جهت مدیریت بحران را تهدید به تضعیف می‌کند و به موضع گیری گستاخ ترمپ کمک می‌رساند.

سرمایه داری جهانی دیگر مرکز هژمونیک ندارد

از لحاظ تاریخی شماری از قدرت‌های سلطه‌گر، از اسپانیا در قرن ۱۶ گرفته، تا هالند در قرن ۱۷، انگلستان در قرون ۱۸ و ۱۹، و بالاخره امریکا در قرن ۲۰ وجود داشته اند. همان‌گونه که هر «سلطه‌گر» ظهور کرد تا هژمون (برتری) یابد، نهادهای سیاسی و قوانین اقتصادی سیستم سرمایه داری جهانی را سازمان‌دهی کرد. در حالی‌که استادان دانشگاه اکنون کاهش هژمونی امریکا و امکان ظهور چین را بحث می‌کنند، چیزی که قطعی‌ست اینست که اقتصاد جهانی به طور فزاینده ای چین‌محور است و چارچوب سیاسی موجود سرمایه داری جهانی به طور نو می‌کنندای قدیمی شده است. به عبارت ساده، طبق معنای عامیانه، نفوذ سیاسی و اجتماعی بین المللی چین با نقش گسترش اقتصادی‌اش در اقتصاد جهانی مطابقت نمی‌کند. نظم سیاسی جهانی کنونی به ایجاد نهادهای برتون وودز توسط فاتحان غربی در جنگ جهانی دوم و از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سیستم سازمان ملل در سال ۱۹۴۴ برمی‌گردد. کشورهای غربی ثروت‌مند همچنین اتحاد نظامی ناتو و تعدادی مجامع سیاسی را جهت حکومت جمعی خود، در میان آن‌ها، باشگاه بیلدربرگ و کمیسیون سه جانبه را تأسیس نمودند. امریکا، همراه با اروپای غربی، در تصمیم گیری در این نهادها دست‌بالا را دارند، درحالی‌که وضعیت دالر به عنوان ارز بین المللی، خزانه داری امریکا را بانک مرکزی جهان می‌سازد.

با این‌حال، همان‌طوری‌که جهانی‌سازی یک طبقه سرمایه داری فراملی‌ست (تی سی سی) (۲) و تولید جهانی و سیستم مالی را ارائه داده است که در آن همه کشورهای ادغام شده اند، بریکس - برزیل، روسیه، هند، چین، افریقای جنوبی - و دیگر کشورها در بازار جهانی جنوب به عنوان بازی‌گران اصلی در اقتصاد جهانی ظهور کرده اند. گروه‌های سرمایه داری پیش‌رو از این کشورها به صفوف ظهور طبقه سرمایه داری فراملی (تی سی سی) پیوسته اند و سهمی در ثبات و رفاه سرمایه داری جهانی به دست آورده اند. اما همه این‌ها در درون چارچوب نظم سیاسی بین المللی به شدت محرمانه اتفاق افتاده است.

با توجه به زنجیره جهانی گسترده مقاطعه کاری فرعی و برون‌سپاری و نقش محوری که چین در آن زنجیره‌ها بازی می‌کند، سرمایه داری جهانی منحصراً به چین وابسته است. چین برای کورپورات‌ها (شرکت‌های بزرگ) فراملیتی، بازار و تا همین اواخر مخزنی برای مازاد انباشته سرمایه، همراه با منبع گسترده نیروی کار ارزان کنترل شده توسط یک دولت سرکوبگر ارائه می‌داد. (برخی‌ها موافق این ابراز عقیده نویسنده نیستند - م). چین در سه دهه گذشته به «کارگاه جدید جهان» تبدیل شد. به علاوه، چین راه را جهت افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیرونی از کشورهایی در (بازار) جهانی جنوب تا دیگر بخش‌های جنوب و شمال رهبری می‌کند. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین ده برابر (۳) و سپس به ۱۳/۷ برابر بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳، از ۴۵ میلیارد دالر امریکا به ۶۱۶ میلیارد دالر افزایش یافت.

نخبگان فراملی هرچه بیشتر روشن شده اند، برای دستگاه‌های کشور/دولت فراملی، مؤثرتر جهت حل این انشقاق بین اقتصاد جهانی و کشور/دولت مبتنی بر سیستم اقتدار سیاسی، مصرانه غریو کشیده اند. آن‌ها به دنبال مکانیزم‌های فراملی از دولت/حکومت - مانند ایجاد سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ و تأسیس جی ۲۰ در سال ۱۹۹۹ بوده اند

– که به طبقه حاکم جهانی اجازه می‌دهد به نفع نجات سرمایه داری جهانی از خودش و تقابل های رادیکال، سیستم را از پائین باثبات سازد.

مجمع جهانی اقتصاد یا (دبلیو ائی اف)، که اجلاس سالانه معروف خود را در داووس، سوئیس برگزار می‌کند، خواهان اشکال جدید احکام شرکت‌های بزرگ جهانی (۴) شده است، از جمله پیشنهادی جهت بازسازی سیستم سازمان ملل به یک نهاد ترکیب از شرکت‌های بزرگ و دولت که توسط هیأت مدیره شرکت‌های بزرگ چندملیتی در «همکاری» با دولت‌ها اداره شود. به خواست اجلاس ۲۰۱۷ داووس که در ۲۰-۱۷ جنوری برگزار شد، هشدار داده شد که «تضعیف سیستم‌های مختلف، اعتماد در سطوح ملی، منطقه‌ئی و جهانی را از بین برده است»، و «در غیبت مراحل نوآورانه و معتبر به سوی تجدید آن‌ها، احتمال افزایش یک ماریپیج روبه پائین برای اقتصاد جهانی وجود دارد.»

ترمپ علیه شی جین پینگ:

در حالی که ترمپ پوپولیسیم راست‌گرا و تهدیدهای حمایتی از مصنوعات داخلی خود را برای مراسم تحلیف در ۲۰ جنوری ۲۰۱۷ با سروصدا تبلیغ می‌کرد، رئیس جمهور چین، شی جین پینگ در مرکز صحنه کنفرانس جنوری مجمع جهانی اقتصاد، برای اقتصاد جهانی باز و نظم سیاسی بین المللی، نطق افتتاحیه را ارائه داد. **طبقه سرمایه داری فراملی** به نطق آغاز به کار داووس توسط رئیس جمهور چین درباره صحنه سیاسی جهان خوش‌آمد گفت و خوش‌حال شد که دید چین همت به رهبری جهانی گرفته است. طنز نباید بر هیچ‌کسی پوشیده بماند که دو نفر از ثروتمندترین مردان چین، وانگ جیانلین، و جک ما (۶)، که دومی بنیان‌گذار علی بابا، بزرگترین شرکت تجاری الکترونیک چین است، شی جین پینگ را در اجلاس داووس همراهی می‌کردند.

اقتصادهای آمریکا و چین به طور جدائی‌ناپذیری در هم آمیخته اند. آن‌ها اقتصادهای کمتر مستقل ملی هستند تا دو جزء کلیدی بخش‌های یک اقتصاد جهانی یکپارچه. ترمپ چین را به دست‌کاری ارز خود متهم کرده است، و تهدید به وضع یک تعرفه مالیاتی ۴۵ درصدی به برخی از کالاهای چینی نموده است، و پیش‌نهاد کرد که او سیاست «یک چین» را به عنوان یک ابزار چانه زنی در مذاکرات تجاری به کار گیرد. با این حال هنوز واقعیت ساده این است که در هر دو، چین و آمریکا **طبقه سرمایه داری فراملی** وابسته به گسترش روابط اقتصادی خود است.

طبق گزارش ۲۰۱۶ دو گروه صنعتی، رودیوم و کمیته ملی (۷)، **سرمایه گذاری مستقیم (اف دی آی)** بین آمریکا و چین در طول دو دهه گذشته افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵، بیش از ۱۳۰۰ شرکت وابسته به آمریکا ۲۲۸ میلیارد دلار در چین سرمایه‌گذاری کردند، در حالی که شرکت‌های چینی مبلغ ۶۴ میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری نمودند، و از نزدیک به صفر درست در ده سال پیش، به ۱۵۳ میلیارد دلار دارائی ترقی کرده اند.

علی‌رغم رجزخوانی ترمپ درباره کسری بودجه تجاری آمریکا با چین، صادرات چین به آمریکا صادرات سرمایه داری فراملی هستند. و به این دلیل، در واقع بیش از حد ارزش قائل شدن برای ارز چین به نفع کورپورات‌های فراملی است که از چین به آمریکا و بازارهای جهانی صادر می‌کنند. در واقع، همان‌گونه که خود ترمپ تلقین کرده است، لفاظی ضدچین و تهدیدهای او به منظور ایجاد محیطی است که در آن او بتواند کشور/دولت چین را مجبور کند که تخفیف‌های بیش‌تری به سرمایه جهانی بدهد (همین امر را می‌توان برای بحث ضدمکزیک گفت).

علاوه بر این، طبق (وزارت) خزانه داری آمریکا، چین بزرگترین دارنده بدهی خارجی آمریکاست، که مالک بیش از ۱/۲۴ تریلیون دلار به صورت اسناد، اسکناس، و اوراق قرضه یا حدود ۳۰ درصد از بیش از ۴ تریلیون دلار آمریکا در اسناد (وزارت) خزانه داری، اسکناس و اوراق قرضه نگهداری شده توسط کشورهای خارجی است. در مجموع، چین

صاحب حدود ۱۰ درصد از بدهی نگهداشته عمومی امریکا است. در نتیجه، کسری بودجه و بدهی ناشی از مصرف، امریکا را در دهه های اخیر «آخرین راه چاره بازار» ساخته است، و با جذب بازده اقتصاد چین و جهان به دفع رکود بیش‌تر و حتی فروپاشی اقتصاد جهانی کمک نموده است.

از این‌رو، این یک تهدید بی‌اساس نبود هنگامی‌که وانگ جیانلین ملتی‌میلیاردر پیشرو چینی، که گروه دالیان و اندای او اخیراً زنجیره سینمائی ای ام سی (۸) را به دست گرفت، به رژیم ترمپ هشدار داد و گفت: «چنان‌چه کارها ضعیف مدیریت شوند، او ۱۰ میلیارد دلار در سرمایه‌گذاری در صنایع فلم و معاملات ملکی را خارج می‌سازد. بیش از ۲۰۰۰۰ نفر شاغل هیچ‌چیزی برای خوردن نخواهند داشت. و رشد فلم‌های انگلیسی وابسته به بازار چین ست» (۹).

بحران سرمایه‌داری جهانی

ترمیپسم فشارها سیاسی و اقتصادی متضادی را بر امریکا وارد می‌سازد. بحران سرمایه‌داری جهانی در مواجهه با رکود اقتصادی و ظهور پوپولیسم ضدجهانی‌سازی بر هردو چپ و راست طیف سیاسی حادث شده است. در حالی‌که بحران عمیق می‌شود و در حالی‌که تنش‌های بین‌المللی به ژرفای جدید می‌رسند، ترمپیسم به اندازه‌باز ترکیب متضاد نیروهای سیاسی و گفتمان ایدئولوژیک، نماینده‌گسست از جهانی‌سازی سرمایه‌داری نیست.

برای دستگاه‌های نظامی و امنیتی امریکا مشکل‌ست که با واقعیت‌های جهانی جدید وفق یابند و حاکمان امریکا متکی به هیاهوی امپریالیستی برای مشروعیت خود در میان پایگاه شوینیستی کارگران امریکا است که تحرک رو به پائین و نارضایتی را با نخبگان مستقر تجربه می‌کند. تحریکات امریکا در بحیره جنوب چین، «محور آسیا» و لاف دلیری دروغین، تنش‌ها را افزایش می‌دهند و حتی باعث تهدید به تشدید بحران سرمایه‌داری جهانی کرده است. گزارش اطلاعاتی اخیر امریکا (۱۰) درباره جنگ بین امریکا و چین هشدار داد و یک مقام ارشد نظامی چین در ۲ جنوری ۲۰۱۷ در روزنامه پست صبح جنوب چین (۱۱) بیان کرد که جنگ با امریکا تحت ترمپ «تنها یک شعار نیست»، بلکه تهدید می‌کند که به یک «واقعیت عملی» تبدیل شود.

ظهور رهبری جهانی چین برای طبقه کارگر جهان به چه معنی است؟ کشور/دولت چین یک دولت/کشور سرمایه‌داریست (تا زمانی‌که قدرت سیاسی و نظامی و حتی اقتصادی در دست حزب کمونیست‌ست، این نظریه صحیح نیست - م- به نظر ما دید نویسنده درست است - پورتال). ظهور یک طبقه سرمایه‌دار فراملی در چین و طبقه متوسط ابرثروت‌مند و با مصرف بالا در کنار افزایش استثمار صدها میلیون کارگر چینی، اکنون در مقطع برش مبارزات جهانی کارگران به خوبی شناخته شده است. با این حال، سرمایه‌داری چین مسیر نئولیبرالی به ادغام با سرمایه جهانی را نپیموده است. دولت نقش کلیدی در سیستم مالی، در تعدیل سرمایه‌خصوصی، و در برنامه ریزی دارد. این اجازه می‌دهد که زیرساخت قرن ۲۱ را توسعه دهد و انباشت سرمایه را در اهداف گسترده‌تر از کسب سود فوری هدایت کند، چیزی‌که دولت/کشورهای سرمایه‌داری غربی به علت خصوصی‌سازی، مقررات‌زدائی و عقب‌گرد از بخش‌های دولتی، نمی‌توانند انجام دهند.

مجموعه ای از نهادهای دولتی فراملی متعادل‌تر که واقعیت‌های جدید سیستم سرمایه‌داری جهانی وابسته و چندقطبی را منعکس کند، می‌تواند پایه تنش‌های بین‌المللی و تهدید به جنگ را کاهش دهند. ما نباید هیچ توهمی داشته باشیم که معماری سیاسی جهانی جدید نه می‌تواند سرمایه‌داری را انسانی کند و نه بحران نبود مبارزات توده‌ئی برای توزیع مجدد ثروت و قدرت رو به پائین را حل و فصل کند. بازگشت به دولت سرمایه‌داری مداخله‌گر در سراسر جهان، با این‌حال، ممکن است از پائین مطالبات مبارزات مردمی و چپ تحمیل‌شده بر دولت را مؤثرتر بسازد.



ویلیام آی. روبینسون

ویلیام آی. روبینسون، استاد جامعه شناسی، مطالعات جهانی و مطالعات امریکای لاتین در دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا است. تازه ترین کتاب او سرمایه داری جهانی و بحران بشریت است. برای اطلاعات بیشتر به آدرس سایت او مراجعه نمایید:

<http://www.soc.ucsb.edu/faculty/robinson/>

منابع:

(۱)-

[warned last December](#)

<https://qz.com/861397/chinas-richest-man-wang-jianlin-threatens-donald-trump-20000-us-jobs-are-at-stake-should-things-be-handled-poorly/>

(۲)-

https://www.amazon.com/Global-Capitalism-Humanity-William-Robinson/dp/1107691117/ref=sr_1_1?s=books&ie=UTF8&qid=1486172058&sr=1-1&keywords=global+capitalism+and+the+crisis+of+humanity

(۳)-

<http://www.wri.org/blog/2015/01/china%E2%80%99s-overseas-investments-explained-10-graphics>

(۴)-

http://www3.weforum.org/docs/WEF_GRI_EverybodysBusiness_Report_2010.pdf

(۵)-

<http://www.globalresearch.ca/a-spectre-hovers-over-davos-world-economic-forum-populism-and-the-trump-presidency/5570176>

(۶)-

Wang Jianlin, and Jack Ma

(۷)-

2016 report by two industry groups, Rhodium and the National Committee on U.S.-China Relations.

-(^۸)

https://en.wikipedia.org/wiki/AMC_Theatres

-(^۹)

<https://qz.com/861397/chinas-richest-man-wang-jianlin-threatens-donald-trump-20000-us-jobs-are-at-stake-should-things-be-handled-poorly/>

-(^{۱۰})

<http://www.reuters.com/article/us-usa-intelligence-future-idUSKBN14T1J4>

-(^{۱۱})

<http://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/2065799/china-steps-preparedness-possible-military-conflict-us>

AMC Theatres (originally an acronym of **American Multi-Cinema**, often referred to simply as **AMC** and known in some countries as **AMC Cinemas**) is an American movie theater chain owned and operated by **AMC Entertainment Inc.**, which is itself owned by **AMC Entertainment Holdings, Inc.**, a majority-owned subsidiary of the Chinese conglomerate Dalian Wanda Group.

برگردانده شده از:

[China and Trumpism: The Contradictions of Global Capitalism](#), by: William I. Robinson

[http://www.telesurtv.net/english/opinion/China-and-Trumpism-The-Contradictions-of-](http://www.telesurtv.net/english/opinion/China-and-Trumpism-The-Contradictions-of-Global-Capitalism-20170214-0002.html?utm_source=planisys&utm_medium=NewsletterIngles&utm_campaign=NewsletterIngles&utm_content=34)

[Global-Capitalism-20170214-](http://www.telesurtv.net/english/opinion/China-and-Trumpism-The-Contradictions-of-Global-Capitalism-20170214-0002.html?utm_source=planisys&utm_medium=NewsletterIngles&utm_campaign=NewsletterIngles&utm_content=34)

[0002.html?utm_source=planisys&utm_medium=NewsletterIngles&utm_campaign=NewsletterIngles&utm_content=34](http://www.telesurtv.net/english/opinion/China-and-Trumpism-The-Contradictions-of-Global-Capitalism-20170214-0002.html?utm_source=planisys&utm_medium=NewsletterIngles&utm_campaign=NewsletterIngles&utm_content=34)